



اردوغان چگونه از سیاست «تنش صفر» به تنش صد رسید؟

ترکیه آنقدر از سیاست خارجی مورد ادعای خود سرمست شد که فهم و قرائت محدودی از سیاست خارجی خود پیدا کرد و اولویتهای سیاست منطقه‌ای را به اشتباه دید، آنگاه بود که گره‌های دوستی با قدرت‌هایی همچون ایران را گم کرد.

به گزارش آراش آران نیوز: اردوغان و داود اوغلو به عنوان معمار ترکیه نوین، طی سالیان اخیر سیاست تنش صفر را در دستور کار سیاست خارجی خود قرار دادند. این در حالی بود که دیری نپایید که با ورود به قضیه سوریه و دخالت در امور این کشور با تقویت و حمایت تمام‌قد گروه‌های تروریستی برای براندازی نظام بشار اسد، عملاً به چیزی غیر از سیاست اعلامی خود عمل کردند. در عرصه سیاست داخلی هم، عملکرد اردوغان را می‌توان در شمار یکی از مستبدانه‌ترین رفتارهای چند سال اخیر تاریخ ترکیه از سوی یک حکومت برشمرد. نتیجه هر دو رویکرد سیاست داخلی و خارجی دولت عدالت و توسعه را امروز به وضوح می‌توان مشاهده کرد.

روزنامه «تاگس زایتونگ» آلمان در شماره اخیر خود، بزرگترین اشتباه اردوغان را اجبار وی بر تمامی عناصر مختلف حکومت ترکیه و مخالفان برای تبعیت از وی و سیاست‌هایش خواند. به گمان این روزنامه، رفتار خودکامه‌گرایانه وی، تبدیل به پاشنه آشیل حکومتش شده که هر آینده امنیت و قوامش را تهدید می‌کند.

به نوشته این روزنامه، رجب طیب اردوغان هر کاری را برای تقویت پایه‌های حکومتش کرد: «تضعیف احزاب کرد و طرفداران کردها، اتهام‌تراشی برای اپوزیسیون، تهدید راست‌گرایان مخالف حکومت به سکوت، محدود کردن هر گونه اعتراض یا گردهم‌آیی، و صدور مجوز به نیروهای پلیس برای شلیک به سمت معترضین در صورت بروز رفتار خشونت‌آمیز.»

آزادی بیان که اردوغان در ابتدای حکومتش آن را یک حق می‌دانست، روز به روز وضعیت بدتری در ترکیه پیدا کرد. دهه‌ها روزنامه‌نگار به جرم بیان اظهارات مغایر با سیاست‌های اردوغان با برچسب جاسوسی، روانه زندان شدند. کشورهای اروپایی، چشمانشان را بر روی فضای به شدت امنیتی ترکیه بستند چرا که این کشور تسهیل‌کننده بحث پر چالش مهاجرت برای آنها بود. همین امر، موجب تحریک مخالفان اردوغان شد و وضعیت را وخیم‌تر ساخت. اکنون، سه شکاف آشکار طبقاتی، مذهبی، و اقلیمی را می‌توان در جامعه ترکیه دید. شکاف بین ثروتمندان و فقرا، سکولارها و مذهبیون، و غرب و شرق ترکیه. تاگس زایتونگ در پایان به این اشاره می‌کند که اکنون مردم ترکیه در بدترین وضعیت خلاء قانونی و مقامات کشور در بدترین وضعیت خلاء حمایت از سوی جامعه به سر می‌برند.

پایگاه تحلیلی «المانیاتور» کی از آخرین گزارش‌های خود، اردوغان را بازنده بزرگ بازی خاورمیانه خواند. دولت‌مردی که نتوانست «حرکت معنادار» در قبال ارائه راه‌حل برای بحران سوریه از خود نشان دهد. به اعتقاد تحلیل‌گر المانیاتور، دولت اردوغان در چند حرکت اشتباه وارد شرایط کیش و مات شده است. اولین آن، ورود به ائتلاف 36 کشور عربی به رهبری عربستان بود. ائتلافی که قطع یقین به دنبال تضعیف شدن ایران در منطقه بود. ترکیه، با قرار دادن خود در جمع کشورهایی چون نیجر، مالی و کومور آن هم تحت رهبری عربستان عملاً کاریزمای سنتی و تاریخی خود به عنوان سردمدار کشورهای سنی در مقابل ایران شیعه را زیر سوال برد. کاریزمایی که کلید آن از خصومت و جدال بین امپراتوری عثمانی و حکومت سلسله صفوی خورد.

المانیاتور معتقد است که سیاست‌های ترکیه، امروز این کشور را در مثلث رقابتی ایران، عربستان، و ترکیه برای کسب هژمونی منطقه وارد کرده است. این پایگاه تحلیلی خاورمیانه، دومین اشتباه اردوغان را روی آوردن دوباره به اسرائیل می‌داند. اردوغان در روز 2 ژانویه 2016 اعلام کرد که ترکیه و اسرائیل به یکدیگر نیاز دارند. بسیاری از کارشناسان این اظهارنظر را اینگونه تلقی کردند که ترکیه پی به تغییرات ژئوپلیتیک خاورمیانه برده و خواهان عقب‌نشینی از موضع رقابت با اسرائیل است. ترکیه، با ورود به ائتلاف ضد ایرانی 36 کشور سنی و اتحاد با اسرائیل، نه تنها تمامی ادعاهای خود مبنی بر قدرت منطقه‌ای بودن را هدر داد بلکه عملاً وارد کارزار مقابله‌ای با ایران شد که تاکنون بی‌سابقه بود. قطع یقین، رفتارهای اخیر اردوغان را می‌توان حاصل ناکامی‌اش در سوریه و چالش با روسیه دانست. از سوی دیگر، متمایل شدن به سمت عربستان و اسرائیل همان چیزی است که آمریکا، دوست و شریک دیرینه ترکیه می‌خواهد.

خط قرمز ترکیه، «حزب اتحاد دموکراتیک کرد» (PYD) است. اردوغان، به هر قیمت ممکن نمی‌خواهد کردها مخالف، قدرت بگیرند. چرا که وسعت و گسترش قدرت آنها در کرانه فرات و صدها مایل از مرز میان ترکیه و سوریه از نظر اردوغان و همپالگی‌هایش یعنی قرار گرفتن تیغ تهدید بر گلو حکومت عدالت و توسعه. دولت ترکیه، طی دیدار شش ژانویه ژنرال «ژوزف دانفورد» -رییس ستاد مشترک ارتش آمریکا- نگرانی شدید خود نسبت به تشکیل کریدور کردها در شمال سوریه را ابراز کرد. المانیاتور، معتقد است که این تازه اول راه برای تمام کسانی که در بحران سوریه درگیری ایجاد کردند و و علی‌الخصوص ترکیه است.

حال و هوای این روزهای ترکیه را شاید بهتر از هر کسی خبرنگاران و روزنامه‌نگاران ترک به دلیل تجربه زندگی در آن کشور و آشنایی با ساز و کار سیاست از نوع عثمانی درک نمایند. «سمیح ایدیز» که از روزنامه‌نگاران مشهور ترکیه و روزنامه جمهوری است، جمله قابل تعمقی دارد:

«ترکیه آنقدر از سیاست خارجی مورد ادعای خود سرمست شد که فهم و قرائت محدودی از سیاست خارجی خود پیدا کرد و اولویت‌های سیاست منطقه‌ای را به اشتباه دید، آنگاه بود که گره‌های دوستی با قدرت‌های مطرح منطقه `{/literal}` ایران `{/literal}` را گم کرد و از آن سو افتاد. حالا هم به قدرت‌های بزرگ متوسل شده تا بخشی از آن قدرت منطقه‌ای از دست‌رفته‌اش را بازیابد».

وی در مقاله اخیر خود در روزنامه ترکیه‌ای آورده است: «ظاهراً، اردوغان و داود اوغلو به عنوان معمار سیاست خارجی نوین ترکیه، که مدام سخن از سیاست تنش صفر با همسایگان می‌زدند و خود را مقید به رعایت بی‌طرفی در امور داخلی سایر کشورها معرفی می‌کردند، با دخالت در امور داخلی کشورهای دیگر از جمله سوریه کاملاً چیز دیگری نشان دادند و از طرف دیگر از آنجایی که متوجه نشدند که دینامیسم اصلی این نقطه از جهان با سایر نقاط فرق دارد و نوع شناخت کشورهای مطرح منطقه از ترکیه شباهتی به نوع نگاه اروپا و آمریکا ندارد، بحران امروز را برای خود رقم زدند. این است نتیجه توسل به اقدامات تهاجمی برون‌مرزی برای تامین امنیت داخلی. اینکه اردوغان پس از تنش با روسیه، میزان فشار را به روی خودش نمی‌آورد و در اظهاراتی که طبل تو خالی است اینگونه اعلام می‌کند که جایگزین‌های بسیاری برای روسیه دارد، نامی ندارد به غیر «سیاست شکست‌خورده در خاورمیانه».

خبرگزاری «بلومبرگ» نیز پوتین را به سودای براندازی حکومت ترکیه متهم کرد. به اعتقاد این اندیشکده، «پوتین که پیوسته سیاست‌های آمریکا در مورد برنامه‌ریزی برای براندازی حکومت‌ها را محکوم می‌کند، اکنون در اندیشه براندازی حکومت اردوغان است. رابطه این دو کشور طی چند سال اخیر در سطح بسیار مطلوبی قرار داشت، اما یک اشتباه بزرگ همه چیز را بر باد داد. شاید اکنون اردوغان در درون خود از حمله به سوخو 24 که منجر به این بحران بزرگ شد بسیار پشیمان باشد. ایده‌ای که هیچگاه دولت ترکیه با توجه به اینکه روسیه را بی‌میل به افزایش تنش می‌دید، تصور نمی‌کرد که منجر به این سطح از تنش شود».

پوتین نیز از آن طرف، هیچگاه درخواست و اصرار قزاقستان و بلاروس برای پایان دادن به تنش با ترکیه را نپذیرفت و اعلام کرد که تا زمانی که اردوغان در راس حکومت ترکیه قرار دارد، هرگز با ترکیه مصالحه نخواهد کرد. روسیه، در ابتدا به حلقه داخلی سیاست ترکیه نفوذ کرده است. در مرحله اول، فساد مالی بلال -فرزند اردوغان- و تجارت نفت وی با داعش افشا شد (جزئیات بیشتر) و در مرحله دوم ضربه بزرگ‌تر وارد شد و آن مربوط به دعوت «صلاح‌الدین دمیرتاش» -رهبر حزب دموکرات خلق و بزرگترین حزب اپوزیسیون- به روسیه بود. پوتین در حال تلافی همان کاری است که غرب در جریان چچن کرد. وی، به سراغ دمیرتاشی رفت که روز به روز بر قدرت او افزوده می‌شود و هم‌اکنون از سوی اردوغان به خیانت متهم شده است. قویترین مرد عرصه سیاست در سال 2015، آشکارا از اپوزیسیون اردوغان حمایت کرده است».

بلومبرگ در ادامه افزود: «به نظر نمی‌رسد هدف پوتین که تضعیف و سقوط دولت اردوغان است به سرعت حاصل گردد. وی، به خوبی می‌داند که در حال حاضر اردوغان به اندازه خود او دارای جایگاه مستحکمی در کشورش است. لذا، می‌خواهد به تدریج با ایجاد خلل و خدشه در نظام اقتصادی و سیاسی ترکیه، از این مرد سرسخت ترک یک چهره منفور بسازد که توسط خود مردم ترکیه و اپوزیسیون و احزاب مخالف به زیر کشیده شود».

پایگاه «فری بیکن» از دید روابط بین ترکیه و اسرائیل به قضیه نگریسته است. از دید این پایگاه «ترکیه به در این هیاهوی تنش با روسیه بر سر قضیه سوریه و ماجرای جنگنده سوخو 24 و تنش با ایران بر سر قضیه سوریه و دیگر مسائل ایدئولوژیک منطقه‌ای، به طرف اسرائیل که همانا می‌تواند شریک نظامی قدرتمندی برای این کشور باشد، متمایل شده است. اردوغان، پس از واقعه کشتی آزادی (حامل فعالان مدنی و حقوق بشری و امدادسازان ترکیه که برای کمک‌های انسان‌دوستانه راهی غزه شدند و از سوی نظامیان رژیم صهیونیستی به قتل رسیدند) در لباس خونخواهی قربانیان، در اصل به دنبال ایفای نقشی بود که به آن نیاز داشت. او، می‌خواست که کشورهای عربی پس از تاختن وی به اسرائیل او را به عنوان صدای جهان اسلام و ریش‌سفید قدرتمند و شجاع خود ببینند و مقدمات شروع امپراتوری عثمانی نوین فراهم شود. حالا نیز، اردوغان مستاصل از نتیجه ندادن طرح‌های جاه‌طلبانه در منطقه، دست به هر ریسمانی می‌اندازد تا بخشی از آن اعتبار و قدرت گذشته را بازیابد».

منبع: مشرق